

بررسی و جایگاه روش عفو و غفران از منظر قرآن کریم و کارکردهای تربیتی آن

نیک محمد خلیلی *

چکیده

عفو و غفران از مفاهیم مهم و برتر اخلاقی است که در سعادت و تعالی فردی و اجتماعی انسان ها نقش موثری ایفا می کند و از دیرباز در صدر فضایل اخلاقی جای داشته و دارای آثار و فوائدی است که از لحاظ رشد روانشناختی و تربیتی فرد و جامعه اهمیت فراوانی دارد. این تحقیق، با استفاده از تفسیر و تحلیل آیات قرآن کریم به بررسی موضوع پرداخته است.

نتایج مقاله حاضر با پرداختن به معناشناسی واژه عفو و غفران در قرآن کریم، انواع عفو و غفران الهی را بررسی نموده، به مهمترین ویژگی های عفو و غفران اشاره کرده و شرایط و اسباب عفو و غفران در قرآن مورد کاوش قرار گرفته است و در نتیجه به مهمترین کارکرد های این روش قرآنی در مورد مربی و مربی پرداخته شده که؛ فراهم آوردن زمینه اصلاح مربی، امید و انگیزه به مربی، اصلاح و علاج مربی، کرامت و آموزش مربی از مهمترین کارکرد آن است.

روش پژوهش؛ توصیفی تحلیلی و مطالعات آن کتابخانه ای است، و با استفاده از فیش برداری انجام شده است.

واژگان کلیدی: عفو، غفران، قرآن کریم، کارکرد، مربی، مربی.

مقدمه

انسان تنها موجود مختاری است که مسیر رشد و تکامل را خود با اراده و عمل خویش طی میکند و این مسیر دارای انواع اغواگران و راهزنانی است که آدمی را از راه رشد و تعالی به در می‌کند «قال رب بما اغویتني لازینن لهم فی الارض ولاغو منهم اجمعین؛ گفت: پروردگارا چون مرا گمراه کردی، من «نعمت‌ها مادی را» در زمین در نظر آنها زینت میدهم، و همه را گمراه خواهم ساخت» (حجر / ۳۹).

از لوازم اختیار انسان ممکن الخطا بودن اوست و از لوازم ممکن الخطا بودن وجود راهی برای بازگشت است. در غیر این صورت کسی راه نجات را نخواهد یافت. آیا تربیت بدون بهره‌گیری از روش عفو کردن و گذشتن از نقص‌ها و کم‌کاری‌های متربی ممکن است، یا دست کم به نحو مطلوبی میسر است؟ شاید موردی را نیابیم که کسی بدون بهره‌گیری از این اصل موفق به تربیت به نحو مطلوب شده باشد. این واقعیت بیانگر اهمیت و لزوم عفو کردن خطاها به عنوان یک اصل اساسی در تربیت است. امکان بازگشت و جبران خطا رابطه‌ای وثیق و تنگاتنگ با تربیت دارد؛ چرا که مسیر رشد و تعالی همواره با آزمون و خطا به پیش می‌رود. بنابراین، عفو و گذشت، از ملاک‌های محوری قرآن کریم است که خداوند عفو کننده و آمرزنده است (نساء / ۹۹)، «و لولا فضل الله علیکم و رحمہ ما زکا منکم من احد ابداء...» (نور / ۲۱)

مفهوم شناسی

واژه «عفو» و مشتقات آن مانند «عفا» (بقره، ۱۸۷)، «عفو» (نساء، ۴۳)، «العافین» (آل عمران، ۱۳۴)، «عفونا» (نساء، ۱۵۳) و... سی و شش بار در قرآن به کار رفته اند. این واژه در لغت‌داری دو اصل و ریشه معنایی است که یکی به معنای ترک‌ودیگری به معنای طلب (ابن فارس، ۱۳۸۷) است. پس عفو، به معنای رها کردن و عذاب نکردن کسی است که مستحق عقاب و عذاب است (فراهیدی، العین - صفی پور، منتهی الازب - شرتونی، اقرب الموارد).

اما عفو در قرآن نیز به معانی مختلفی دانسته شده است، طریحی « عفو ناعنکم » به معنای « محونا عنکم ذنوبکم » نا دیده گرفتن گناهان معنا کرده است. راغب اصفهانی عفو را به معنای ترک مجازات و عقولت می داند.

مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۱۹ بقره « ویستلونک ماذا ینفقون قل العفو... » ضمن نقل قول راغب اصفهانی می فرماید: « سپس عنایات کلامی باعث شده که این لفظ به معنای عذیده ای چون بخشودن گناه، از بین بردن اثر چیزی و میانه روی در انفاق بیاید » (طباطبایی، ۱۴۱۷ ج ۱۹۴: ۲).

بنا بر این، چه عفو را به معنای ترک بگیزیم و چه به معنای طلب، نتیجه یکی است؛ زیرا طلب هم برای نادیده گرفتن گناه است و نتیجه آن رها کردن فرد بدون گناه است. پس عفو به معنای نا دیده گرفتن گناه است.

غفران : این واژه از غفر ینغفر بوده با صیغه های مختلف ۱۳۷ بار در قرآن به کار رفته است. غفر در لغت به معنای ستر و پوشش آمده است (ابن فارس، ۱۳۸۷) غفران نیز به معنای پوشاندن جامه ای به تن فرد است که وی را از آلودگی حفظ کند، مراد از غفران خداوند این است که فرد را از تماس با آتش حفظ کند؛ نظیر « غفرانک ربنا » (بقره، ۲۸۵) (راغب، ۱۳۸۵).
مرحوم طبرسی ذیل آیه ۵۸ سوره بقره می فرماید: « غفر، به معنای پوشاندن است ». گویند: « غفر الله له غفرا نا »؛ یعنی خدا گناهان او را پوشاند، وحد مغفرت پوشاندن کناه از طریق رفع عقوبت است (طبرسی، ۱۳۷۲ ج ۱، ۲۴۵).

انواع عفو و غفران

عفو و غفران الهی نسبت به انسان ها و گناهان آنان انواعی دارد؛ گاه خداوند پیش از آنکه انسان از او در خواست عفو کند او را می بخشد، ولی گاه وقتی انسان به گناه خود واقف شد و از خدادار خواست بخشش و از گناه خود توبه کرد، خداوند او را می بخشد. همچنین گاه غفران الهی پیش از تکلیف شامل انسان شده و سبب تسهیل در تکلیف می شود و گاه پس از تکلیف و ارتکاب خطا و گناه از سوی انسان شامل حال او می شود و گاه نیز

خداوند با تفضل بیکران خود زمینه ارتکاب گناه را ازین می برد. قرآن کریم همه این موارد را مشمول روش عفو و غفران می داند. بنا بر این، انواع عفو و غفران عبارتند از: عفو و غفران ابتدایی؛ عفو و غفران تکلیفی؛ عفو و غفران پیش گیرانه؛ عفو و غفران تاخیری و عفو و غفران پاداشی.

۱. عفو و غفران ابتدایی

در این نوع عفو و غفران، فرد ابتدایی آنکه هیچ اقدامی انجام دهد، یا از خود شایستگی خاصی آشکار سازد در معرض رحمت الهی قرار می گیرد. برای مثال، در مواردی انسان ها پیش از آنکه کار نیکی انجام دهند دست به گناه می زنند و حتی توبه هم نمی کنند، در عین حال مورد رحمت و اسعه الهی قرار می گیرند؛ «و يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه وقد خلت من قبلهم المثالات وان ربك لذو مغفرت للناس على ظلمهم...؛ آنانیست از رحمت، از تو تقاضای تعجیل در عذاب دارند، با اینکه پیش از آنان بلاهای عبرت انگیز نازل شده و پروردگارت به مردم در باره ستم کردن شان صاحب مغفرت است، و هم پروردگارت عذاب شدید دارد». (رعد، ۶). رحمت و اسعه خداوند در همه احوال، حتی در حال ظلم شامل انسان می شود و شامل مشرک و کافرونیز دنیوی و اخروی و نیز قبل از مرگ و پس از مرگ می شود. از این رو، قرآن کریم تعبیر «لناس» به کار برده است و للمؤمنین یا للتائبین به کار نبرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۳۱: ۱۱ و ۳۲).

۲. عفو تکلیفی

یکی از راه های بروز تجلی عفو و غفران تفضلی در قرآن، عفو در وضع تکلیف است. عفو و گذشت صرفاً در مقام مجازات مطرح نمی شود، بلکه افزون بر آن در مقام تعیین تکلیف و تشریح نیز سهل گرفتن نوعی عفو قلمداد می شود. روش خداوند تعالی در تشریح قوانین و تکالیف بیانگر نوعی سهل گرفتن با مکلفان است، به نحوی که آنها به راحتی قادر به انجام تکالیف هستند. قرآن کریم هنگامی که به این نحوه مواجهه خداوند با مکلفین اشاره می کند، به صفت غفاریت و بخشندگی خداوند نیز تصریح می کند: «انما حرم علیکم المیتة

والدم ولحم الخنزیروما..... ان الله غفور رحیم» (بقره، ۱۷۳). ونیز (توبه، ۹۱ و مائده، ۱۰۱). در تفسیر تبیان ذیل آیه ۹۱ توبه دارد که خداوند غفور است؛ یعنی با قبول عذر کسانی که عذری دارند بر آنها می پوشاند و رحیم است؛ یعنی آنها را فراتر از طاقت و توانایشان الزام نمی کند (طوسی بی تا، ج ۵، ۲۷۹).

۳. عفو پیشگیرانه

در قرآن کریم با آیاتی مواجه می شویم که به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: از خدا طلب مغفرت کن، «واستغفرالله ان الله کان غفورا رحیما؛ واز خدا طلب مغفرت کن که مغفرت و رحمت کار خداوند است» (نساء، ۱۰۶). و حال آنکه پیامبر (ص) معصوم است و گناه و خطا نمی کند. بنا بر این، سؤال این است که این استغفار و طلب بخشش به چه معنایی است؟ در تبیین معنای واقعی آیه یاد شده، به نوعی از عفو پیشگیرانه می رسیم. در این نوع بخشش آنچه اتفاق می افتد عفو و بخشش نسبت به گذشته و سابقه فرد نیست، بلکه عفو و گذشت نسبت به آینده است؛ یعنی جلوگیری از ورود به گناه و باز داری از وقوع آن در آینده. مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه یاد شده می فرماید: معنای استغفار در این جا آن است که رسول خدا (ص) از خداوند می خواهد آنچه در طبع و سرشت آدمی است و ممکن است او را به سوی گناه و هوای نفس متمایل سازد، بیاورد و بپوشاند. قرآن نسبت به آن حضرت می فرماید: «ولولا فضل الله علیک ورحمته لهمت طائفة منهم ان یضلوک ویضلون الا انفسهم وما یضرونک من شیء» (نساء، ۱۱۳). این آیه تصریح بر این دارد که خائن نمی توانند ضرری به رسول خدا (ص) برسانند و هر قدر تلاش کنند قادر به گمراهی او نیستند. پس رسول خدا (ص) از این جهت در امنیت است و خدای متعال آن حضرت را از چنین امری حفظ فرموده است.

۴. عفو تاخیری

هر عمل نیکی مستلزم پاداشی مناسب خود است. اما این قاعده در باب اعمال بد و قبیح صادق نیست و بسا بدون جزا و تنبیه مورد بخشش قرار گیرد یا دست کم در مجازات تعجیل

نشود. از این رو، قرآن کریم در ارتباط با اعمال بد و نا شایست که مقتضی عذاب و تنبیه هستند دو واکنش را مطرح می کند؛ نخست عفو و گذشت فوری؛ دوم تاخیر در مجازات، یا مهلت دادن. این دو نوع مواجهه تحت عنوان کلی عفو و غفران تفصیلی قرار می گیرند. واکنش نوع اول در عفو ابتدایی بیان شد. امانوع دوم؛ یعنی عفو تاخیری نیز یکی دیگر از مظاهر مواجهه تفصیلی خداوند با انسان گنهکار است؛ زیرا چنانکه خداوند فرموده: « ولو یواخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابه و لکن یوخرهم الی اجل مسمی؛ اگر خدا مردم را به خاطر ظلمشان مجازات می کرد جنبنده ای را روی زمین باقی نم گذارد، ولی آن ها را تا زمان معینی به تاخیر می اندازد» (نحل، ۶۱). آیاتی از قرآن به تاخیر مجازات و فرصت دادن به گنهکاران تصریح دارند (کسف، ۸۵)

۵. عفو پاداشی

منظور از عفو و غفران پاداشی این است که خداوند در برابر توبه ای که گنهکار از گناه خود می کند، از گناه او در می گذرد و او را مورد عفو و بخشش قرار می دهد. توبه و انابه، کاری است که از سوی مرتبی صورت می گیرد و خداوند در برابر آن، توبه او را می پذیرد و از گناه او می گذرد و او را می بخشد؛ « افلا یتوبون الی الله ویستغفرونه والله غفور رحیم؛ آیا به سوی خدا بازگشت و استغفار نمی کنند؟ و حال آنکه خداوند غفور و رحیم است » (مائده، ۷۴). در واقع یکی از شرایط عفو و غفران، طلب آن از طریق توبه و انابه است. از این رو، نمی توان روش توبه را به عنوان روش تربیتی مطرح کرد که مرتبی آن را به کار گیرد؛ بلکه آنچه مرتبی به کار می گیرد عفو و گذشت است. با توجه به اینکه هر نوع تربیتی اگر با تعامل و همکاری و هماهنگی مرتبی و مرتبی صورت پذیرد، با موفقیت همراه خواهد بود، به کارگیری روش عفو و غفران با بازگشت و عذر خواهی مرتبی موفقیت بیشتر و بهتری را در پی خواهد داشت.

همچنین گاه خداوند در اثر کار نیک که انسان انجام می دهد گناهان او را می بخشد؛ « ان تجتنبوا کبائر ماتنهون عنه نکفر عتکم سیئاتکم و...؛ اگر از گناهان کبیره ای که از آنها پنهانی شده اید اجتناب کنید، ما از بدی های شما صرف نظر می کنیم... » (نساء، ۳۱).

همه انواع عفو و غفران در باره مربی و مربی نیز صادق هستند و مربی می تواند این انواع عفو و بخشش را درباره مربی اعمال کند.

ویژگی های عفو و غفران

عفو و غفران، به عنوان یک روش تربیتی در عرض دیگر روشها قرار می گیرد. ویژگی ها و امتیازات این روش نسبت به دیگر روشها آن را روش ویژه ساخته است. گرچه وجود برخی ویژگی های این روش منحصر به آن نیست، اما تحقق مجموع ویژگی ها در این روش، نوعی انحصار و امتیاز برای آن ایجاد کرده است.

۱) فعال بودن مربی

یکی از ویژگی های مهم روش عفو و غفران فعالیت مربی و در نتیجه نیاز نداشتن به فعالیت زیاد مربی است. برخی روشها مانند روش تنبیه و تشویق و موعظه و... روش هایی هستند که نقش مربی در آنها بسیار پررنگ است؛ به این معنی که بدون دست بکار شدن مربی امکان اجرای آن روشها وجود ندارد. اما برخی روشها وضعیت دیگری دارند. در این نوع روشها فعالیت اصلی بر عهده مربی است. مربی صرفا فرصت را در اختیار مربی قرار میدهد و این خود مربی است که با تمسک به آن فرصت از امکانات بهره میگیرد. در واقع، در این روش مربی منفعل نیست، بلکه کاملا فعال و نقش آفرین است. از این رو، میتوان یکی از امتیازهای روش عفو و غفران را دخالت کمتر مربی و فعالیت بیشتر مربی دانست.

البته باید توجه داشت که عفو و گذشت انواعی دارد. از جمله عفو تفضلی، استحقاقی و ابتدایی و پیشگیرانه و... انسانها همواره و حتی بدون اینکه مطلع باشند و به رغم نداشتن شایستگی نیز مشمول عفو و غفرانی است که انسان خود به عنوان مربی در آن نقش داشته باشد. بنابراین، اثر تربیتی آن بیشتر در عفو و غفران استحقاقی نمایان می شود. این نوع از عفو و غفران چه از راه توبه محقق شود یا غیر آن، مستلزم نوعی حرکت و فعالیت از سوی مربی است. بدیهی است کسی که اقدام به توبه میکند و شرایط آن را فراهم می سازد،

میتواند انتظار رفع سوء سابقه از خود داشته باشد. چنانکه خداوند به تصریح میفرماید: «ثم ان ربك الذين عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك و اصلحوا ان ربك من بعدها لغفور الرحيم» (نحل/۱۱۹).

۲) تعلق به حیطة عاطفی

هر یک از روش‌ها معطوف به ساحتی از ساحت‌های وجودی انسان است. برای مثال روش حکمت آموزی و یا اعطای بینش که یکی از روش‌های تربیت است به بعد ذهنی و شناختی تعلق دارد. با بکارگیری بعد شناختی انسان سبب هدایت و رشد و تربیت وی میشود. یا روش تشویق و تنبیه بیشتر دارای کارکردی عاطفی هستند و از این رهگذر انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند و موجبات جذب و دفع را در انسان فراهم می‌آورند. روش عفو و غفران نیز از این جهت روشی عاطفی است و با دخالت در حوزه انگیزه و روحیه امیدواری سبب اصلاح و رشد مرتب می‌شود. از این جهت در زمره روش‌های عاطفی قرار می‌گیرد. در بحث تربیت، گرچه هر یک از ابعاد انسانی نقش و تاثیر دارند، اما بهره‌گیری از بعد عاطفی تاثیر بیشتری در تربیت انسان دارد. از این رو، خداوند در قرآن کریم این ویژگی پیامبر(ص) و نقش آن در تربیت دیگران را می‌ستاید «فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر» (آل عمران/۱۵۹).

۳) اصلاحی و ایجادي

روشهای تربیت را بطور کلی می‌توان به دو نوع روشهای اصلاحی و روشهای ایجادي تقسیم کرد. روشهای ایجادي روش‌های هستند که رفتاری تازه را در انسان ایجاد می‌کنند و موجب رشد او می‌شوند؛ مانند روش تشویق. روش‌های اصلاحی روش‌هایی هستند که رفتارهای ناپسند را از بین می‌برند، یا آنها را به رفتارهای نیکو و پسندیده تغییر می‌دهند. روش عفو و گذشت از این جهت ظرفیتی دوگانه دارد. برخی از انواع آن تنها سابقه سوء را از میان می‌برند؛ مانند عفو و گذشت ابتدایی یا تفضلی. اما برخی دیگر، افزون بر از میان

بردن سابقه سوء، به جای آن سابقه مثبت را نیز ایجاد می کنند. برای مثال، هنگامی که عفو و گذشت بر اساس توبه باشد، یابه دنبال آن عمل صالح نیز بیاید نه تنها سابقه سوء را پاک می کند، بلکه آن سابقه سوء نیز تبدیل به سابقه نیک می شود؛ «الامن تاب و آمن و عمل عملا صالحا فالثک یدل الله سیئاتهم حسنات...» (فرقان، ۷۰).

کارکردهای تربیتی عفو و غفران برای متربی

۱- فراهم آوردن زمینه اصلاح متربی

یکی از کارکردهای مهم عفو و غفران ایجاد زمینه مثبت برای اصلاح متربی است. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «فمن عفا و اصلاح فاجر علی الله و انه لا یحب الظالمین؛ پس هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداوند است، خداوند ظالمان را دوست ندارد» (شوری / ۴۰). گرچه ظاهر آیه این است که اصلاح عملی غیر از عفو است و دو کار را مطرح می کند، ولی همین که اصلاح به دنبال عفو مطرح شده است اشعاری نیز به این دارد که اصلاح مترتب بر عفو است و با عفو اصلاح صورت میگیرد، چنانچه برخی از مفسران در مورد تقوا و عمل مطرح کرده اند که عطف تعلیم بر تقوا گرچه با «فا» نیست، اما بیانگر آن است که تقوا سبب تعلیم الهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۳۵).

همچنین در مورد اینکه مراد از این اصلاح، اصلاح میان عفو کننده و خداست یا اصلاح میان عفو کننده و عفو شونده یا اصلاح عفو شونده است، نیز اختلاف است ولی برخی مفسران نظیر میبیدی (۱۳۷۱، ج ۹: ۴۰) مراد از آن را اصلاح بین عفو کننده و عفو شونده می دانند و برخی نیز مانند گنابادی، مراد از آن را اصلاح عفو شونده می دانند (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۰). پیامبر اکرم (ص) نیز در پاسخ به شکایت فردی از بی ادبی خادمان خود فرمود: «آنها را ببخش و بدین طریق قلبهای آنها را اصلاح کن؛ وشکا رجل الی رسول الله (ص) خدمه فقال له اعف عنهم تستصلح به قلوبهم فقال یا رسول الله انهم یتفاوتون فی سوء الادب فقال: اعف عنهم ففعل» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹: ۷).

گفتنی است آثاری که گفته شد برای عفو آثاری نیستند که به صورت طبیعی بر عفو مترتب باشند، بلکه آثاری هستند که خداوند بر عمل عفو خود بار می‌کند و برای مثال، او فرد را عذاب نمی‌کند، بنابراین، مری نیز باید توجه داشته باشد که اگر متری خود را بخشید، به این معناست که باید ملتزم شود که آثار تخلف را بر او بار نکند، نه اینکه صرف بخشش، به طور طبیعی آثار بر آن بار خواهد شد.

۲- امید و انگیزه

یکی از آثار مهم عفو و غفران ایجاد امید و انگیزه در انسان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسکم لا تقنطوا من رحمہ الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم» (زمر / ۵۳). وقتی خدا خود به اینکه تمام گناهان را می‌آمرزد تصریح داشته باشد و آن را به صراحت برای بندگان خود بیان کند و حتی یأس و نومیدی از رحمت خود را گناهی بزرگ تلقی کند؛ «و لا تأسوا من روح الله انه لا یأس من روح الله الا القوم الکافرون؛ از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند» (یوسف / ۸۷).

انسان به عفو و رحمت خداوند امیدوار میشود و به اصلاح وضع خود امیدوار و بر انگیزته میشود (برای مطالعه بیشتر طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۴۸ و ۱۴۹).

۳- اصلاح و علاج

یکی از ابعاد تربیت، تربیت اصلاحی است؛ یعنی صفات و رفتارهای ناپسند را از بین بردن. تربیت در سه حوزه اصلاح، حفظ و رشد مطرح است. چنانکه انسان از حیث جسمی در صورتی می‌تواند سلامت رو به رشد خود را تامین کند که نخست با تغذیه سالم و انجام ورزش قوای خود بیفزاید، دوم، با رعایت بهداشت خود را از بیماری و مرض‌های گوناگون حفظ کند. سوم، اگر مریض شد با اقدام به درمان و علاج، از بیماری برهد. وضعیت روحی و روانی انسان نیز از این جهت مشابه وضعیت جسمانی وی است. انسان باید با اقدام به فضایل در صدد رشد و تعالی خویش باشد و با حفظ خود و رعایت تقوا و پرهیزگاری از

افتادن در دام ابلیس و نفس اماره دوری کند و در صورتی که مرتکب خطا و گناه شد، از طریق معالجه، خود را از مرض روحی برهاند. بنا بر این، اصلاح و علاج یکی از امور انفکاک نا پذیر از سیر تربیتی است. جایگاه آموزش خواهی در قالب توبه و انابه جایگاه اصلاحی و درمانی است.

در قرآن کریم آثار بیماری روحی ناشی از ارتکاب خطا یا گناه به صورت خسران، عذاب و سوء سابقه مطرح شده اند. حضرت نوح(ع) از درخواست جاهلانه به خداوند پناه می برد و رهایی از خسران و زیان را منوط به مغفرت و رحمت خداوند دانسته، می گوید: «قال رب انی اعوذ بک ان سالک ما لیس به علم...» (هود، ۴۷) عرض کرد پروردگارا من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم و اگر مرا نبخشی و بر من رحم نکنی از زیان کاران خواهم بود». همچنین خداوند یکی از آثار استغفار را رفع عذاب بر می شمارد و می فرماید: «و ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما کان الله معذبهم و هم يستغفرون» همچنین پاک شدن سوء سابقه و رفع آثار منفی از صفحه قلب منوط به بازگشتن و دست برداشتن از گناه است؛ «قل للذین کفروا ان ینتھوا ینغفرلھم ما قد سلف؛ به آنها که کافر شدند بگو چنانچه از مخالفت باز ایستند و ایمان بیاورند گذشته آنها بخشیده می شود...» (انفال، ۳۸).

در باب کار کرد اصلاحی گفتنی است که کار کرد مزبور منحصر بر توبه نیست، بلکه حتی بر عفو تفضلی و ابتدائینیز مترتب است. بنا بر این، وقتی گفته می شود یکی از کارکردهای عفو و غفران کار کرد اصلاحی و درمانی است، به اقدامات درمانی فرد منحصر نمی شود، بلکه منظور دستیابی به اصلاح است، اعم از این که از طریق اقدام فرد به توبه حاصل شود یا از طریق اقدام مستقیم خداوند به عفو و بخشش گناهان.

کارکردهای مهم تربیتی عفو و غفران برای مربی

(۱) کرامت

یکی از کارکردهای عفو برای فاعل آن، یعنی کسی که اقدام به گذشت می کند، رشد مجموعه فضیلت‌هایی در اوست که میتوان با واژه کرامت به آنها اشاره کرد. صبر و

بردباری، رأفت، مهربانی و دلسوزی در برابر فرد خطاکار و گذشت از او متضمن نوعی کرامت و بزرگواری در فرد است. این فضیلت هم منشا عفو و گذشت است و هم در اثر عفو و گذشت در انسان ایجاد و تقویت میشود. این ویژگی همه فضائل اخلاقی است که هم در رفتار انسان اثر میگذارند و در واقع منشا رفتارها هستند. چنین رفتارهایی می توانند راهی برای کسب فضائل اخلاقی باشند. در قرآن کریم آیات متعددی بیانگر این امر هستند. خداوند از کسانی که غیظ و خشم خود را فرو میبرند و از خطای دیگران می گذرند به نیکی یاد کرده و آنها را در زمره محسنین و نیکوکاران برشمرده است «الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین؛ همان کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق میکنند و خشم خود را فرو میبرند و از خطای مردم می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران/ ۱۳۴).

در آیه دیگری میفرماید: «کسانی که علی رغم داشتن قدرت مجازات، به عفو و گذشت دیگران اقدام می کنند به مقام صابران و شکیبایی نائل می شوند»؛ «و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین؛ هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید اینکار برای شکیبایان بهتر است» (نحل / ۱۲۶).

از منظر قرآن کریم کسانی که صبر پیشه می کنند و از خطای دیگران می گذرند به کاری اقدام کرده اند که تنها از صاحبان اراده قوی برمی آید: «و لمن صبر و غفر ان ذلک من عزم الامور؛ اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، به راستی این کارهای پر ارزش است» (شوری / ۴۳). اگر نیکی ها را آشکار یا مخفی سازید، و از بدی ها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست و با اینکه قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می کند.

به طور کلی هر گونه مدارا، تحمل و گذشت از دیگران می تواند به عنوان مظاهر فضیلت، کرامت و بزرگواری قلمداد شود. از این جهت در روایات مبادرت به عفو دیگران به عنوان خلق کریمانه تلقی شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «عفو کنید؛ زیرا عفو جز بر عزت بنده نیفزاید، پس همدیگر را ببخشید تا شما را عزت بخشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۰۸).

علی (ع) نیز فرمود: «سرعت گرفتن در عفو و اغماض از خصلت افراد کریم و بلند مرتبه است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴).

(۱) آموزش

کسی که اقدام به گذشت می‌کند، خود شایستگی لازم برای مورد عفو قرار گرفتن پیدا می‌کند. این امر هم در ارتباط فرد با خدا مطرح است و هم در ارتباط با دیگر انسانها. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان تبدوا خیرا او تحفوه او تعفوا عن سوء فإن الله کان عفوا قديرا؛ اگر از بدی‌های دیگران درگذرید خداوند نیز از بدی‌های شما در خواهد گذشت» (نساء / ۱۴۹). همچنین به توانمندان امر میکند که آنها باید به عفو و گذشت از دیگران اقدام کنند؛ چراکه خود نیز به آموزش خداوند نیازمندند؛ «و لیعفوا و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم و الله غفور رحیم» (نور / ۲۲).

چنانچه انسان انتظار دارد خداوند از او درگذرد خود نیز باید از خطای دیگران چشم‌پوشی کند و اگر چنین اقدامی انجام ندهد نه تنها عفو الهی شامل حال او نمی‌شود؛ بلکه خداوند او را توبیخ و سرزنش می‌کند «یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟» (صف / ۲).

بنابراین خداوند انتظار کسانی را که اقدام به گذشت از دیگران می‌کند، بی‌پاسخ نمی‌گذارد و آنها را مشمول رحمت خود قرار می‌دهد. اقدام به عفو در میان مردم نیز سبب جلب توجه و عطوفت آنها خواهد شد به نحوی که خداوند تعالی پیامبر (ص) را به گذشت از مردم و طلب غفران برای آنها امر می‌کند؛ چراکه همین امور سبب جذب بیشتر آنها خواهد شد. به این معنی که آنها نیز در دیدگاه خود تجدید نظر کرده در بسیاری از موارد مشقت‌ها و سختی‌های حاصل از ارتباط با فرد را نادیده گرفته و پروانه‌وار به دور او خواهد چرخید «فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت...» (آل عمران / ۱۵۹).

شرایط و عوامل عفو و غفران

شکی نیست که عفو و غفران به عنوان یک روش تربیتی دارای ارزش والایی است؛ اما آیا این روش به طور مطلق وبدون هیچ قید وشرطی می تواند به کار گرفته شود و نقش و کار کرد تربیتی داشته باشد؟ بدیهی است که روش عفو و غفران نیز مانند هر روش تربیتی دیگر اصول وشرایطی دارد که با رعایت آنها می توان به نقش و کار کرد های آن دست یافت. در غیر این صورت، نه تنها نقش و کار مثبت خود را کاهش داده یا از دست خواهد داد، بلکه چه بسا دارای کار کرد منفی نیز باشد. بایک بررسی اجمالی می توان گفت درقرآن کریم اصول وشرایطی برای گذشت و عفو از گناهکاران بیان شده است که به شرح ذیل بیان می شوند:

۱- ایمان

انسان برای این که مشمول رحمت خاصه ای الهی و عفو و مغفرت وی قرار گیرد، باید حد نصاب اولیه را داشته باشد، نخستین شرط برای تحقق این امر، کسب حد نصاب لازم برای مغفرت و آمرزش هر نوع گناه و خطایی است. چنانکه قرآن می فرماید: « و من یومن بالله و یعمل صالحا یکفر عنه سیئاته؛ و هر کس به خداوند ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناه او را می بخشد» (تغابن/۹).

البته تنها ایمان به خدا کفایت نمیکند، بلکه ایمان به پیامبران الهی و کتابهای آسمانی نیز لازم است. چنانکه میفرماید: «والذین امنوا و عملوا الصالحات و امنوا بما نزل..» (محمد/۲). ایمان به کتاب الهی، شامل ایمان به آنچه در کتاب خدا آمده نیز میشود. از جمله مهمترین آنها ایمان به ولایت ائمه طاهرین است، چنانکه در آیه ۶۷ سوره مائده آمده است و روایات متعدد منظور از آن را ولایت علی بن ابی طالب میدانند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۳۱).

اصل این شرط در مورد تربی چندان وجهی ندارد؛ زیرا معمولا مربی و مربی هم کیش هستند، اما میزان و چگونگی این شرط میتواند در عفو و بخشش مربی موثر باشد. به این معنا

که مرتبی‌ای که دارای درجات بالاتری از ایمان باشد، یا مرتبانی که معمولاً تخلفی ندارند، بیشتر قابلیت عفو و بخشش دارند تا مرتبانی که همواره دارای تخلف هستند.

۲- بقای فرصت

یکی دیگر از شرایط عمومی عفو و گذشت این است که زمان لازم برای جبران گذشته وجود داشته باشد. بدیهی است اگر این فرصت نباشد، گرچه فرد پشیمان و نادم هم باشد اثری در عفو و گذشت نخواهد داشت. چراکه صرف ندامت و پشیمانی برای دست یابی به آمرزش کافی نیست، بلکه فراتر از آن، قدرت و اختیار برای بازگشت نیز لازم است. عفو و گذشت راهی برای بازگشت است، نه برای سوءاستفاده. قرآن کریم درباره اینگونه توبه، به توبه فرعون اشاره میکند که چون خود را در حال غرق شدن دید و راهی برای فرار نیافت، مدعی ایمان به خدای بنی اسرائیل شد و خداوند در پاسخ او فرمود که دیگر ایمان تو در این وضعیت فایده ندارد؛ «الان و قد عصیت قبل و كنت من المفسدین؛ الان؟! در حالی که پیشتر عصیان کردی و از مفسدان بودی (یونس/۹۱).

علامه طباطبایی مرگ را به عنوان پایان فرصت برای آمرزش خواهی از طریق توبه قلمداد میکند. گویی زمانی که علائم و نشانه‌های مرگ آشکار شد و برای انسان یقین حاصل شد که دیگر راهی برای فرار وجود ندارد، فرصت بازسازی و اصلاح گذشته از میان می‌رود. وی ذیل آیه ۱۷ سوره نساء می‌فرماید: منظور از زمان قریب، تا قبل از مرگ است. چرا که فرد در این زمان اختیار دارد و چون توبه نوعی عبادت است و عبادت صرفاً در حالت اختیار پذیرفته می‌شود، از این رو کسی که مرگ را مشاهده میکند، اختیاری نداشته و ندامتش اجباری است و عبادت تلقی نمیشود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۴۱). چنانکه واضح است زمان لازم برای مربی و مرتبی در عفو و بخشش، مرگ و پیش از آن نیست، بلکه نسبی است و به حسب شرایط و برنامه‌ها متفاوت است. از این رو، مربیان باید عذر مرتبانی را تا زمانی که فرصت بازگشت باقی است، بپذیرند و فرصت هر برنامه تربیتی متفاوت خواهد بود.

اسباب و عوامل عفو و غفران

افزون بر شرایط عفو و غفران الهی در قرآن، اسباب و عواملی نیز برای آن بیان شده که برای اینکه عفو و غفران الهی شامل حال انسان شود، باید این اسباب و عوامل را نیز فراهم آورد. برخی عوامل بدین شرح‌اند:

۱. پشیمانی و طلب مغفرت

نخستین اقدام اساسی در جذب عفو و غفران، پشیمانی از خطا و گناه و درخواست مغفرت است؛ چرا که توبه و بازگشت بدون پشیمانی از گناه و اشتباه معنا ندارد و در واقع خود و خدا را به سخره گرفتن است. به سخن دیگر، حقیقت توبه، چنان که علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۴: ۲۴۸) می‌فرماید، چیزی جز تغییر نفسانی نیست؛ یعنی فهم خطا و اشتباه و پشیمانی از آن، بنابراین، نخستین گام برای جلب مغفرت الهی پشیمانی از گناه است. ولی این پشیمانی باید در لفظ هم ابراز شده و از خدا طلب مغفرت شود.

مربی نیز برای عفو و بخشش از مرتبی باید احراز کند که مرتبی از گذشته خود پشیمان شده است. اگر بدون این شرط عفو و بخشش صورت گیرد، بسا مرتبی را جلی‌تر سازد. اما همیشه و در همه موارد، به ویژه در مواردی که مرتبی تخلف زیادی ندارد و یا تخلف کوچک است، پشیمانی ضرورتی ندارد؛ چرا که در اینگونه موارد، چنان که در انواع عفو بیان شد، عفو پیشگیرانه یا تاخیری می‌تواند اثر تربیتی داشته باشد.

۲. توبه و بازگشت

گاهی گناه انسان گناهی بزرگی است، یا تکرار گناهان کوچک است که در این صورت تنها پشیمانی و استغفار زبانی کفایت نمی‌کند، بلکه انسان باید در عمل نیز از مسیر رفته باز گردد یا حتی گناهان گذشته را جبران کند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه؛ واینکه از پروردگار تان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید». (هود، ۳) و نیز: «و یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه؛ وای قوم من، از پروردگار تان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید» (هود: ۵۲). در این آیه افزون



استغفار، باز گشت از گذشته نیز شرط شده است (طباطبایی، ۱۳۴۷، ج ۱۰، ۱۴۰). زیرا توبه به معنای باز گشت است گرچه گاهی استغفار اعم از توبه است گاهی بر عکس، ولی وقتی این دو لفظ در کنار هم قرار بگیرد هر کدام معنای خاص خود را دارند.

۳. جبران گذشته

در مواردی افزون بر استغفار و بازگشت از گناه، برای جلب مغفرت الهی جبران گذشته نیز لازم است و گناهکار باید حقوق تضییع شده، اعم از حق الله و حق الناس را، جبران کند. برای مثال، ممکن است کسی نماز یا روزه را ترک کرده باشد، یا مال دیگری را غصب کرده باشد. در این صورت تنها توبه و پشیمانی از گناه برای آمرزش فرد کفایت نمی کند و فرد باید نماز و روزه را قضا کند یا حق غصب کرده دیگری را بر گرداند تا خدا نیز او را مشمول عفو و رحمت خود قرار دهد. چنانکه قرآن کریم می فرماید: « فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید، خداوند توبه او را می پذیرد که خدا آمرزنده مهربان است» (مائده، ۳۹). منظور از اصلاح چنانکه برخی مفسران معتقدند اصلاح و جبران عمل است (از جمله سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۸۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۱۰).

۴. انجام عمل نیک

افزون بر موارد یاد شده؛ گاه شرط دیگری نیز برای عفو و غفران الهی لازم است و آن انجام عمل نیک است؛ « و من یومن بالله و یعمل صالحا یكفر عنہ سیئاته؛ هر کس به خدا ایمان آورد، و کار شایسته ای کرده باشد، بدی هایش را از او بسترده» (تغابن، ۹). البته به نظر می رسد در این صورت نیز افزون بر غفران گناه، خداوند پاداش های دیگری را هم می دهد، گنان که در ادامه همین آیه آمده است: «ویدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدًا ذالک الفوز العظیم؛ و او را در باغ هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می کند، جاویدانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگ است» (تغابن، ۹ و مائده، ۹). بنابر این، می توان گفت تنها دو شرط برای عفو و غفران الهی وجود دارد یکی توبه و پشیمانی از

گناه و دیگری درخواست مغفرت و رحمت، مگر در مواردی که آثار گناه متوجه دیگری نباشد، در این صورت جبران حقوق دیگران نیز لازم است.

در پایان این بحث گفتنی است که شرط اول و دوم (پشیمانی و طلب مغفرت، توبه و بازگشت) شرط غالبی است و ممکن است در مواردی حتی اگر فرد پشیمان هم نباشد بتوان او را بخشید، به ویژه در صورتی که فرد برای نخستین بارها گناه یا تخلفی انجام می دهد، یا فردی است که کمتر دچار گناه و خلاف می شود، یا طوری است که اگر او را عفو کنیم او عفو و علت عفو کردن را درک می کند و عفو در او تاثیر بیشتری دارد تا مجازات. اما این به آن معنا نیست که به صورت غیر مستقیم یا به صورت کلی متربی را به عذر خواهی از تخلف ها و اشتباهات خود فرا نخوانیم، بلکه چنان که خداوند نیز امر به توبه می کند، مربی نیز باید متربی را به عذر خواهی از قصور و تقصیر خود دعوت کند، اما در مواردی ممکن است فرد دچار غفلت شود و عذر خواهی نکند که البته این مربوط به کسانی است که کمتر دچار تخلف و اشتباه می شوند. همچنین دوش شرط اخیر نیز در موارد خاص هستند و از شرط های غالبی نیز نیستند؛ چرا که جبران گذشته در صورتی است که انسان با گناه و تخلف به دیگری ضرری برساند، یا حقی را تضییع کند اما در مواردی که تنها به خود فرد ضرر می رسد و تضییع حقی از کسی نمی شود، جبران هم ضرورت ندارد.

نتیجه گیری

چنانکه اشاره شد «روش عفو و غفران» یکی از مفاهیم بنیادی اخلاقی در قرآن کریم است و در قرآن کریم به آن اهمیت بسیاری داده شده است. استفاده از این روش اخلاقی قرآنی در محیط اجتماع، خانواده، آموزشگاه و... آثار و نتایج بسیار مهمی را به دنبال دارد که موجب سلامت روانی، جسمی، امنیت و آرامش و سلامت روابط مربی و متربی می گردد.

در مقاله حاضر، با استفاده از آیات مشتمل بر مفهوم عفو و غفران در قرآن مجید بررسی شد و با مراجعه به تفاسیر مهم قرآن، مهمترین آثار و کار کرد های این روش قرآنی شناسایی و جایگاه آن از منظر قرآن کریم این کتاب هدایت و تربیت که معلم آن خود خداوند متعال

و پیامبر اکرم (ص) است، مورد اشاره قرار گرفت. و به مباحث مهمی چون: مفهوم عفو و غفران، انواع عفو در قرآن مجید که عبارتند از: عفو ابتدایی، عفو تکلیفی، عفو پیشگیرانه، عفو تاخیری و عفو پاداشی بررسی گردید. همچنین به شرایط این مفهوم قرآنی که: ایمان به عنوان حد نصاب و بقای فرصت از مهمترین شرایط عفو است اشاره شد. مهمترین ویژگی آن که عبارت از: فعال بودن مرتبی در این روش، تعلق به حیطه عاطفی و ذووجهی بودن این روش اصلاحی-ایجادى اشاره گردید؛ مهمترین کار کردهای این روش زیبای قرآنی برای مرتبی عبارت است از: فراهم آوردن زمینه اصلاح مرتبی، دادن امید و انگیزه و اصلاح و علاج او. و برای مرتبی مهمترین کار کرد عفو و غفران، کرامت و آمرزش اوست. این مباحث مهم قرآنی از جایگاهی بسیار والایی از نگاه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام برخوردار است که باید مورد توجه مریبان قرار بگیرند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، قم؛ دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران؛ علمی فرهنگی.
- ۳- ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، قم؛ پژوهشگاه، ۱۳۸۷
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت؛ دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ۵- آل سعدي، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن، بیروت؛ مکتبه النهضه العربیه، ۱۴۰۸
- ۶- حسینی زاده، سید علی، مشایخی، شهاب الدین، روشهای تربیتی در قرآن، قم؛ پژوهشگاه، ۱۳۹۳
- ۷- حوزی، شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
- ۸- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، نورالثقلین، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المراد الفاظ قرآن، تهران؛ مرتضوی، ۱۳۸۵.
- ۱۰- صفی پور، عبدالرحمن بن عبدالکریم، فرهنگ عربی به فارسی - منتهی الارب فی لغه العرب، بی تا.
- ۱۱- طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین...، ۱۴۱۷
- ۱۲- طبرسی، فضل بن الحسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲
- ۱۳- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت؛ دار الاحیا التراث العربی، بی تا.
- ۱۴- طیب سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران؛ اسلام، ۱۳۷۸
- ۱۵- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران؛ چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰
- ۱۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم؛ اسوه، ۱۴۱۴ق.
- ۱۷- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریبالشرح الکبیر للرافعی، قم؛ دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران؛ دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- ۱۹- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت؛ موسسه الرساله، ۱۴۰۹